



Organizing the cultural geography of Iran

Yousef Zainal Abodine Amoghin

Department of Geography,
Ra.C., Islamic Azad
University, Rasht, Iran .
salami_geo@yahoo.com

Mohammad Reza Salimi Sobhan

Department of Geography,
Farajah Institute of Law
Enforcement Sciences and
Social Studies, Tehran, Iran,
salami_geo@yahoo.com

Hooshang Bakhtiari

*Department of
Management, Boj.C., Islamic
Azad University, Bojnourd,
Iran.
khorasani66@iau.ac.ir

Received: 2025/10/13

Accepted: 2026/01/26

DOI:

10.22034/jpcs.2026.1285021.1430



ABSTRACT

The aim of this research is to identify the structural factors affecting the cultural geography of Iran and the effects of religious identity of the Safavid period on this spatial organization. Considering this, the present research is explanatory-analytical in nature and based on a historical-conceptual approach within the framework of geoculture. In this article, the organization of Iran's cultural geography is analyzed as a result of the three components of geography, religion, and political power structure. The kings of Iran have continuously tried to regulate the culture and civilization of this land. But after some periods, the Safavid dynasty, focusing on Shiism, at a crucial historical juncture, was able to transform Iran into an independent, self-centered, powerful and respected "nation-state" in the world of that day. With the coming to power of the Safavid dynasty, the government was regulated based on the idea of national unification through Shiite religion, and this process has continued and enriched in subsequent periods. On this basis, it can be acknowledged that the geographical in the geographical context of the Iranian Plateau - religious components (Shiism) and governance styles have played a role in shaping identity cohesion, territorial integrity, and cultural-political stability in different historical periods. In this framework, Shiism, as a geocultural element, has played both an internal cohesive role and a regional distinguishing function. Accordingly, Iran can also present a sustainable model of cultural order in the crisis-ridden Middle East by combining tradition and modernity and using its geopolitical-geocultural capacities.

Keywords: Cultural geography, historical regulation, national identity, Iran, geoculture.

► **Citation (Vancouver):** Zainal Abodine Y, Salimi Sobhan MR, Bakhtiari, H, Organizing the cultural geography of Iran. *Police Cultural Studies*, 2025; 12(3): 71-90.

► **Citation (APA):** Zainal Abodine, Y., Salimi Sobhan, MR., Bakhtiari, H. (2025) Organizing the cultural geography of Iran. *Police Cultural Studies*, 12(3), 71-90.

انتظام بخشی جغرافیای فرهنگی ایران

چکیده

هدف این پژوهش شناخت عوامل ساختاری موثر بر جغرافیای فرهنگی ایران و تاثیرات هویت مذهبی دوره صفویه بر این سازماندهی فضایی است. با توجه به چنین امری پژوهش حاضر از نظر ماهیت تبیینی-تحلیلی و مبتنی بر رویکرد تاریخی-مفهومی در چارچوب ژئوکالچر است. در این مقاله انتظام جغرافیای فرهنگی ایران به مثابه برآیند سه مولفه جغرافیا، مذهب و ساختار قدرت سیاسی تحلیل می شود. شاهان ایران به طور مداوم در انتظام بخشی به فرهنگ و تمدن این سرزمین تلاش کرده اند. اما بعد از دوره های، دودمان صفویه با تمرکز بر مذهب تشیع در یک مقطع سرنوشت ساز تاریخی توانست ایران را به "ملت-دولت" مستقل، خودمحور، نیرومند و مورد احترام در جهان آن روز تبدیل کند. با روی کار آمدن سلسله صفویه حکومت براساس اندیشه واحدسازی ملی از طریق مذهب تشیع انتظام یافت و این روند در دوره های بعدی استمرار و به غنای آن افزوده شده است. بر این اساس می توان اذعان نمود که حکومت ها در بستر جغرافیایی فلات ایران با مولفه های فرهنگی-مذهبی (تشیع) و شیوه های حکمرانی در ادوار مختلف تاریخی در شکل دهی به انسجام هویتی، یکپارچگی سرزمینی و ثبات فرهنگی-سیاسی نقش آفرینی کرده اند. در این چارچوب مذهب تشیع به عنوان یک عنصر ژئوکالچری هم نقش اتسجام بخش داخلی و هم کارکرد تمایزبخش منطقه ای داشته است. بر این اساس ایران می تواند با ترکیب سنت و مدرنیته و با استفاده از ظرفیت های ژئوپلیتیکی-ژئوکالچری خود الگویی پایدار از انتظام فرهنگی در منطقه بحران زده خاورمیانه ارائه دهد.

کلیدواژه ها: جغرافیای فرهنگی، انتظام بخشی تاریخی، هویت ملی، ایران، ژئوکالچر

یوسف زین العابدین عموقین

گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

Yousef.Zeinolabedin@iau.ac.ir

محمد رضا سلیمی سبحان

گروه جغرافیا، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی فراجا، تهران، ایران

salami_geo@yahoo.com

هوشنگ بختیاری

* دانش آموخته جغرافیای سیاسی

دانشگاه تهران، تهران، ایران

Hojjatbakhtiyari@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۷۱-۹۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۶

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22034/jpcs.2026.1285021.1430

◀ **استناد (ونکوور):** زین العابدین عموقین، سلیمی سبحان، م. ر.، بختیاری، ه.، انتظام بخشی جغرافیای فرهنگی

ایران. مطالعات فرهنگی پلیس، ۱۴۰۴، ۱۲(۳): ۷۱-۹۰.

◀ **استناد (APA):** زین العابدین عموقین، سلیمی سبحان، م. ر.، بختیاری، ه. (۱۴۰۴). انتظام بخشی جغرافیای

فرهنگی ایران. مطالعات فرهنگی پلیس، ۱۲(۳)، ۷۱-۹۰.

هدف این پژوهش شناخت عوامل ساختاری مؤثر بر جغرافیای فرهنگی ایران و تأثیرات هویت مذهبی دوره صفویه بر این سازمان‌دهی فضایی است. با توجه به چنین امری پژوهش حاضر از نظر ماهیت تبیینی-تحلیلی و مبتنی بر رویکرد تاریخی-مفهومی در چارچوب ژئوکالچر است. در این مقاله انتظام جغرافیای فرهنگی ایران به مثابه برآیند سه مؤلفه جغرافیا، مذهب و ساختار قدرت سیاسی تحلیل می‌شود.

شاهان ایران به‌طور مداوم در انتظام بخشی به فرهنگ و تمدن این سرزمین تلاش کرده‌اند؛ اما بعد از دوره‌هایی، دودمان صفویه با تمرکز بر مذهب تشیع در یک مقطع سرنوشت‌ساز تاریخی توانست ایران را به "ملت-دولت" مستقل، خودمحور، نیرومند و مورداحترام در جهان آن روز تبدیل کند. باروی کار آمدن سلسله صفویه حکومت بر اساس اندیشه واحدسازی ملی از طریق مذهب تشیع انتظام یافت و این روند در دوره‌های بعدی.

موضوع بحث ما فرهنگ تبلور یافته در انسان است، موجودی که در تسخیر طبیعت به‌منظور استفاده حداکثری از آن همواره تلاش نموده است. تا با اختراعات و ابتکارات خود رفاه بیشتر ایجاد نماید. این همت عالی در طول تاریخ با نوعی انسجام بخشی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی منجر به فرهنگ و تمدن سازی گردیده است. آنچه ماحصل طرح مطالعات فرهنگی می‌گردد این معنا است که گرچه ملت‌ها به یک تعریف واحد از فرهنگ نرسیده‌اند. لکن در محتوی همگی تقریباً یک چیز را می‌گویند، اینکه انسان در تسلط بر طبیعت برای ارضای حس کنجکاوی خود موفق بوده است.

در این راستا جوامع مختلف در سراسر جهان با توجه به عناصر فرهنگی خود در قالب اقوام توانسته‌اند در هر منطقه‌ای ظهور و بروز نمایند. از جمله اقوام ایرانی که رابطه و تعلق عاطفی خاص خود را از یک منطقه به دلایل محیطی و مزاحمت‌های سایر اقوام به یک منطقه جغرافیای دیگر

انتقال داده‌اند؛ و در نهایت ماندگاری خود را در فلات ایران قدمت تاریخی بخشیدند.

در تحلیل این روند رو به رشد در ایران که با فرازوفرودهای فراوان همراه بوده است. مسئله ما این است که چه عوامل ساختاری بر انتظام جغرافیای فرهنگی ایران مؤثر بوده است و هویت مذهبی صفویه بر این سازمان‌دهی فضایی چه تأثیرات ماندگاری را به‌جا گذاشته است؛ و امروزه ایران با تکیه بر چه مؤلفه‌هایی از جغرافیای فرهنگی خود می‌تواند به یک قدرت بلامنازع فرهنگی-سیاسی در منطقه خاورمیانه تبدیل شود.

فرضیه این پرسش بر این مدار استوار است که گستره جغرافیایی فلات ایران بر مبنای مؤلفه‌های فرهنگی-مذهبی و نحوه حکمرانی در طول تاریخ توانسته است در ساماندهی به انسجام هویتی، یکپارچگی سرزمینی و ثبات فرهنگی-سیاسی مؤثر باشد. مذهب تشیع به‌عنوان یک عنصر ژئوکالچری، هم در بُعد ملی و هم منطقه‌ای نقش کلیدی داشته است. در دوره صفویه این امر با تلفیق ساختارهای سیاسی-مذهبی از ایران "ملت-دولت" مستقل، خودمحور، نیرومند و مورداحترام در جهان آن روز ساخت. بر اساس این باور ایران می‌تواند با ترکیب سنت و مدرنیته و با استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی-ژئوکالچری، الگویی پایدار از انتظام فرهنگی در منطقه بحران‌زده خاورمیانه ارائه دهد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر ماهیت تبیینی-تحلیلی و مبتنی بر رویکرد تاریخی-مفهومی در چارچوب ژئوکالچر است. در این پژوهش، انتظام جغرافیای فرهنگی ایران به‌مثابه برآیند تعامل سه مؤلفه جغرافیا، مذهب و ساختار قدرت سیاسی تحلیل می‌شود. چارچوب مفهومی تحقیق بر این فرض استوار است که بستر جغرافیایی فلات ایران، مؤلفه‌های فرهنگی-مذهبی به‌ویژه تشیع و شیوه‌های حکمرانی در ادوار مختلف تاریخی، به‌صورت پویا در

شکل‌دهی به انسجام هویتی، یکپارچگی سرزمینی و ثبات فرهنگی-سیاسی نقش‌آفرینی کرده‌اند. در این چارچوب، مذهب تشیع به‌عنوان یک عنصر ژئوکالچری، هم‌نقش انسجام‌بخش داخلی و هم‌کارکرد تمایزبخش منطقه‌ای دارد و دوره صفویه به‌عنوان نقطه عطف نهادینه‌شدن پیوند مذهب و دولت مورد تحلیل قرار می‌گیرد. گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای-اسنادی و با استفاده از منابع تاریخی معتبر، آثار نظری جغرافیای فرهنگی و ژئوپلیتیک و مقالات علمی-پژوهشی انجام شده و تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل تاریخی-مفهومی و مقایسه تطبیقی دوره‌های تاریخی مختلف در چارچوب مدل تحلیلی پژوهش صورت گرفته است.

مبانی نظری

بر اساس نظریه‌های پیشگامان، جغرافیای فرهنگی به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم جغرافیای انسانی پیوند تنگاتنگی میان قدرت، فرهنگ و فضا را آشکار می‌سازد. کارل ریتز با ورود مفهوم «چشم‌انداز» به ادبیات جغرافیایی، بنیان نظری مطالعه تعامل انسان و محیط را گذاشت. بعدها کارل ساور در مکتب برکلی، فرهنگ را عاملی خلاق در شکل‌دهی به چشم‌اندازهای انسانی معرفی نمود. در این چارچوب چشم‌انداز نه‌تنها عرصه‌ای طبیعی بلکه متنی فرهنگی است که ارزش‌ها، باورها و شیوه زیست انسان‌ها را بازتاب می‌دهد. " به اعتقاد جغرافیدان معروف فرانسوی ویدال دولابلان، تمامی چشم‌اندازهای انسانی دارای معنای فرهنگی هستند و طبق نظر وی یک فرد می‌تواند چشم‌انداز را درست همانند یک کتاب بخواند. چشم‌انداز فرهنگی شرح‌حال جامع و روشن انسان‌ها و منعکس‌کننده ذائقه‌ها، ارزش‌ها، آرمان‌ها و ترس‌های ما در اشکال قابل‌لمس و رؤیت است. " (تولایی و سلیمانی، ۱۳۸۰: ۳۹) از این منظر، فرهنگ نه‌تنها محصول تعامل اجتماعی بلکه عنصری ژئوپلیتیکی است که می‌تواند در شکل‌دهی به هویت ملی، سیاست خارجی و جایگاه بین‌المللی کشورها نقشی کلیدی ایفا کند.

" کارل ساور بنیان‌گذار جغرافیای فرهنگی برکلی در تحلیل‌های جغرافیایی، به عامل فرهنگ یعنی ارزش‌های مشترک مردم مانند مذهب، ساختار اجتماعی و سازمان و اقتصاد نقشی خلاق قائل بود. مکتب جغرافیای فرهنگی برکلی، مذهب را به‌صورت یک فرا ارگانیک که در چشم‌انداز فرهنگی تأثیر می‌گذارد می‌نگرد. در مطالعات کارل ساور فعالیت‌ها آثار انسان و عملکرد او در قانون توجه قرار داشت، نه خود انسان؛ بنابراین مطالعات می‌بایست تجربی و تاریخی می‌بودند. " (زین‌العابدین و بختیاری، ۱۴۰۳: ۶۷)

در دوره معاصر ظهور رویکرد «ژئوپلیتیک انتقادی» نشان داد که مفاهیمی چون هارتلند، مرز، ملت و حتی تولیدات فرهنگی (فیلم، ادبیات، رسانه‌ها) ابزارهایی برای بازتولید قدرت و مدیریت افکار عمومی‌اند. بدین ترتیب فرهنگ و جغرافیا را نمی‌توان از سیاست و قدرت جدا کرد. در واقع تعامل این عناصر موجب شکل‌گیری مفهوم «ژئوکالچر» می‌شود؛ مفهومی که بر نقش فرهنگ، زبان، مذهب و قومیت در کنار عوامل ژئوپلیتیکی تأکید دارد و رقابت‌های جهانی و منطقه‌ای را در چارچوبی فرهنگی-سیاسی بازتعریف می‌کند.

بر اساس رویکرد تاریخی-توصیفی، ایران با برخورداری از تنوع فرهنگی، پیشینه تمدنی و موقعیت جغرافیایی خاص واجد ظرفیت ژئوکالچری بالایی است. این ظرفیت می‌تواند هم در مسیر توسعه و انسجام ملی به کار گرفته شود و هم در شرایط ناهماهنگ به منبعی از چالش و بحران تبدیل گردد؛ بنابراین شناخت پیوند جغرافیا، تاریخ، فرهنگ و سیاست در ایران برای بازخوانی نقش منطقه‌ای آن در طول تاریخ و به‌خصوص در خاورمیانه امروز ضرورتی انکارناپذیر است. در جغرافیای فرهنگی نو بیشتر تولیدات فرهنگی در عرصه‌های مختلف هنری در راستای نظام سرمایه‌داری در مسیر سودیابی پیگیری و انتظامات لازم را ایجاد می‌کنند. به این لحاظ است که نمی‌توان عوامل فرهنگی را از جغرافیای سیاسی جدا نمود. با رشد بعد فرهنگی جغرافیای سیاسی موضوعاتی همچون هویت ملی، شهروندی، درگیری‌ها و برخوردهای میان

ساختار کوهستانی، کویری و دشتی فلات ایران همراه با موقعیت راهبردی آن در اتصال شرق و غرب، زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدن‌های درخشان و پویای ایرانی شده است.

بر اساس آثار باستانی و تاریخی کشف‌شده، پیش از ورود آریایی‌ها محققان یکی از اولین ساختارهای تمدن بشری تحت عنوان مملکت در عهد قدیم را کشور عیلام به پایتختی شهر شوش که دارای انتظامات لازم یک حکومت از جمله سرزمین (ایران)، نژاد (حبشی)، زبان (انزالی)، خط (میخی)، خدا (شوشیناک) بوده است شناسایی کرده‌اند. ایرانیان از نژاد سفید، هند و اروپایی (آریایی) هستند. آریان‌ها بعد از جدا شدن از مردمان هند-اروپایی به سمت جنوب آمده، به شعبه‌های هندی، ایرانی و سکائی تقسیم شده‌اند؛ که شعبه ایرانی به فلات ایران وارد می‌شود. نام ایران از این‌ها گرفته شده است که خود را آیریا (نجیب و باوفا) می‌نامیدند. تاریخ آریایی‌های ایران از قرن هشتم قبل از میلاد مسیح آغاز می‌گردد. آریایی‌ها وقتی وارد این سرزمین شدند، در ساختارهایی تحت عنوان طوایف و اقوام مختلفی در پهنه این فلات تقسیم شدند. مهم‌ترین این مردمان سه قوم مادها، پارس‌ها و پارت‌ها بوده‌اند.

ابتدا مادها در صحنه تاریخ ایران ظاهر می‌شوند. از اولین حکومت رسمی که بر ایران حکمرانی کرد و تشکیل دولت داد یعنی مادها، حدود دو هزار و ششصد سال می‌گذرد، اولین الگوی ساختاری در ایران بر اساس الگوی حکومتی متمرکز بوده است؛ که تا به امروز نیز با تغییراتی شاهد همان الگوی اولیه یعنی تمرکز در توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران هستیم. امپراتوری هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ پیش از میلاد) نخستین تلاش منسجم در انتظام بخشی فرهنگی و سیاسی ایران بود. کوروش بزرگ با ایجاد ساختاری چندقومیتی و چندفرهنگی، اصل مدارا و تساهل مذهبی را به‌عنوان یک راهبرد فرهنگی بنیان نهاد. کتیبه کوروش، به‌عنوان یکی از نخستین منشورهای حقوق بشر نشان می‌دهد که مدیریت فرهنگی در ایران باستان بیش از هر چیز بر تلفیق اقوام و ادیان استوار بوده است.

فرهنگ‌ها، جغرافیای مقاومت، نقش چشم‌انداز در هدایت و چالش قدرت مورد مطالعه واقع گردید.

این واقعیت را باید پذیرفت جغرافیا، تاریخ، سیاست و فرهنگ به صورت مستقیم بر یکدیگر تأثیرگذار می‌باشند، تعاملات بین آن‌ها موجب شکل‌گیری رویکرد تبیینی-نظری ژئوکالچر یک کشور می‌شود. درک این مفهوم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا هر کدام از عناصر ژئوکالچر (جغرافیا، سیاست و فرهنگ) می‌توانند تأثیر فراوانی بر دیگری گذاشته، تغییراتی ایجاد کنند. تعاملات این عوامل به تعادل و پیشرفت کشورها کمک می‌کنند. یا به صورت عوامل ناهماهنگ منجر به مشکلات و اختلالات موانع توسعه و پیشرفت کشورها عمل می‌کنند.

بحث و یافته‌ها

انتظام بخشی جغرافیای فرهنگی ایران پیش از اسلام

از ویژگی‌های نمایان اقوام ایرانی تحرک جغرافیایی آن‌ها است. این عامل تحرک و پویایی جغرافیای فرهنگی ویژه‌ای به آن‌ها بخشیده است. اقوام ایرانی رابطه و تعلق عاطفی خاص خود را بر اساس ضرورت‌های طبیعی و انسانی از یک منطقه به یک منطقه جغرافیای دیگر تغییر داده تا در نهایت ماندگاری خود را در فلات ایران قدمت بخشیدند. جغرافیای سرزمین اقوام ایرانی در تاریخ از جنوب سیبری تا بین‌النهرین، آسیای صغیر تا هند و مرزهای چین کشیده می‌شد و تا پیش از سده هجدهم اقوام ایرانی در سراسر این پهنه گسترده پراکنده بودند. همه این سرزمین پهناور را قلمرو جغرافیای فرهنگی خود قلمداد می‌کردند.

سرزمین ایران به خاطر پهناوری، دیرپایی و اصالت تاریخی خود دارای فراز و نشیب‌های فراوان بوده و با ساختارهای نظم یافته فرهنگی گوناگون مواجه بوده و توانسته آن‌ها را در خود پروراند و هضم نماید. بررسی روند تاریخی در ایران نشان می‌دهد که فرهنگ و تمدن این سرزمین از ابتدای تاریخ مکتوب تا دوران معاصر همواره تحت تأثیر دو عامل اصلی یعنی جغرافیا و سیاست قرار داشته است.

تفاوت عمده در این بود که آن‌ها در انتظام‌بخشی برساختارها هوشیاری به خرج دادند، از عیب‌ها و نقص‌های تمدن‌های دیگر احتراز کردند. هخامنشیان با ایجاد شاهراه‌ها، سیستم ارتباطی «چاپارخانه» و وحدت در نظام مالیاتی، زمینه‌ی گردش اندیشه‌ها، کالاها و سبک‌های زندگی را فراهم کردند. این امر موجب شد که ایران در عصر باستان به‌عنوان یک ژئوکالچر برتر در منطقه نقش‌آفرینی کند و پایه‌های تمدنی آن تا امروز پابرجا بماند. "هخامنشی‌ها در پرتو توانش‌مندی رهبری، قدرت جهان‌گشایی، تأثیرپذیری از باورهای اساطیری و رواداری فرهنگی-فضایی آن شکل از تصور ژئوپلیتیک را به اجرا در آوردند که فرمانروایی آن‌ها را ماندگار و جهانی کرد. همین عوامل باعث شد که فرهنگ ایران باستان سرشتی سازگار، انعطاف‌پذیر و روادارانه بیابد." (تهامی و راد، ۱۳۹۲)

"امپراطوری پارس در زمان خود بزرگترین بود که جهان به خود دید، پارس، مجموعه‌ای از سلسله‌های شاهنشاهی که مشابه آن را در هیچ امپراطوری نمی‌توان یافت، تکامل پیدا کرد. کوروش کبیر کسی که بیش از سی بار در انجیل از او نام برده یا به او اشاره شده، پادشاهی بود که تحت لوای او اسارت بابلی‌ها به پایان رسید. کوروش نسخه خاص خود از اتحاد را تشکیل داد که متشکل از قبیله‌های زیاد بود. او همچنین نوعی کثرت‌گرایی دینی و بردباری را به کار گرفت." (احمدی نوحدانی، نصیرزاده و صالح‌آبادی، ۱۴۰۴)

به‌طوری‌که در آن نوعی ساختار انسجام‌یافته، بر اساس حکومت فدرالی را پایه‌گذاری نمود. تمدنی که هخامنشیان به وجود آوردند، تمدنی تلفیقی بوده که از همه تمدن‌های کهن دیگر که با آن در ارتباط بودند، تأثیر پذیرفت؛ اما

جدول ۱: ویژگی‌های دوران هخامنشیان

شاخص	ترتیبات اجرایی
فرهنگی	تلفیق اقوام و ادیان، کثرت‌گرایی دینی
حکومتی	فدرالی، شاهنشاهی
سیاسی	اصل مدارا و تساهل مذهبی

منبع: یافته‌های پژوهش

سیاسی واحد بقا یابند. دوره اشکانیان حدود ۴۷۰ سال استمرار داشته است که برخی معتقدند این بقاء طولانی به خاطر انتظام‌بخشی برساختارهای سیاسی، فرهنگی-زبانی ایرانیان از یک‌طرف، احترام دولت مرکزی به دین و آیین مردم در سراسر قلمرو ایران از سوی دیگر بوده است.

پارت‌ها (اشکانیان) از آشوب‌های ایجادشده در دوره سلوکی‌ها که جانشینان اسکندر مقدونی بودند استفاده نموده قلمروهای هخامنشیان را مجدداً باز پس گرفتند. اشکانیان (۲۴۷ ق. م تا ۲۲۴ م) با تکیه بر نظام ایلیاتی و الگوی تمرکززدایی، نوعی انتظام‌بخشی غیرمتمرکز ایجاد کردند. این ساختار سبب شد که فرهنگ‌های محلی در دل یک نظام

جدول ۲: ویژگی‌های دوران پارت‌ها (اشکانیان)

شاخص	ترتیبات اجرایی
فرهنگی	احترام به آیین‌های مردمی و بقاء فرهنگ‌های محلی
حکومتی	نظام ایلیاتی، تمرکززدایی
سیاسی	ساختارهای سیاسی انسجام‌یافته

منبع: یافته‌های پژوهش

نگارش متون دینی-ادبی موجب تقویت هویت فرهنگی ایرانی شد. در ساختار حاکمیت ساسانیان تمام قدرت در حیطه پادشاه متمرکز بود. تا جایی که شاه با روحیه قدرت طلبی حتی خود را فناپذیر می دانست. استبداد در ایران آن روز به معنی واقعی کلمه تحقق یافت.

ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ م) با تأکید بر مذهب زرتشتی و سازمان دهی طبقاتی جامعه، انتظام فرهنگی منسجم تری ایجاد کردند. در این دوره دین رسمی و قدرت سیاسی به شدت درهم تنیده شدند و الگویی از پیوند مذهب-سیاست به عنوان عامل انتظام فرهنگی به وجود آمد. همچنین توجه ویژه به هنر، معماری (مانند طاق کسری) و

جدول ۳: ویژگی های دوران ساسانیان

شاخص	ترتیبات اجرایی
فرهنگی	ارتقاء هویت فرهنگی، سازمان دهی طبقاتی، گرایش های هنری و معماری
حکومتی	تمرکز قدرت در شاه، استبداد واقعی
سیاسی	پیوند مذهب و سیاست

منبع: یافته های پژوهش

انتظام بخشی جغرافیای فرهنگی ایران بعد از اسلام

به تدریج ناپود نمودند. سرانجام در سال ۳۱ هجری با کشته شدن یزدگرد سوم سلسله ساسانی منقرض گردید. ایرانیان پس از حاکمیت اعراب و از آنجاکه از جهت فرهنگی از تازیان بدوی بسیار پیشرفته تر بودند، به سرعت در بالاترین رده های ساختار مدیریتی و فرهنگی این امپراطوری جا خوش کردند، اعراب بی تجربه در اداره یک امپراطوری را به زیر کشیدند، ایرانیان با جذب و بومی سازی مفاهیم اسلامی الگویی نوین از فرهنگ ترکیبی ایرانی-اسلامی خلق کردند. تسلط اعراب هرگز به منزله حذف هویت و فرهنگ ایرانی نگردید. "در طول مدتی که ایران به مرور به تصرف مسلمانان درآمد، حکومت های مستقلی در گوشه و کنار ایران به ظهور می رسیدند که در عین اینکه از لحاظ مذهبی تحت نفوذ خلفای اسلامی در بغداد بودند، برای خود استقلال سیاسی اقتصادی و نظامی داشتند. در این دوره ی ۲۰ ساله هم ایرانیان از فرهنگ والای اسلامی بهره بردند و هم مسلمانان از پیشرفت های علمی و فرهنگی اقوامی آگاهی می یابند که گاهواره ی تمدن جهان در اختیار آنان بود و نیز مالک بسیاری از مراکز تحقیقاتی، تحصیلی، آزمایشگاه و رصدخانه بودند." (شکویی، ۱۳۶۴: ۸).

در اوایل قرن هفتم میلادی خسرو پرویز، بر اثر جنگ های طولانی و بیهوده با امپراطوری روم شرقی، اختلافات داخلی همراه با نارضایتی مردم رژیم شاهنشاهی ایران را به اوج انحطاط رساند. در این هنگام حمله اعراب مسلمان به ایران منجر به سقوط این ساختارهای انسجام یافته در طول تاریخ پادشاهی در این کشور گردید. "در دوره ساسانی قدرت به شدت در دستان شاه متمرکز شده و به معنی واقعی استبداد در این دوره در ایران حاکم شد. ساختار اداری و نظامی ساسانیان به این صورت بود که رئیس تشکیلات اداری ساسانیان در دست وزیر بزرگ که به هزار بد معروف بود قرار داشت وی نایب پادشاه بود و به امور کشوری رسیدگی می کرد در این دوره هشت دیوان به ترتیب زیر وجود داشت:

۱- دیوان ارتش، ۲- دیوان راه ها، ۳- دیوان مسکوکات، ۴- دیوان نامه ها، ۵- دیوان دادرسی، ۶- دیوان امتیازات دولتی، ۷- دیوان مالیات، ۸- دیوان اوزان و مقادیر" (اعظمی، زرقانی و حمیدی، ۱۳۹۳) علی رغم تمرکز قدرت و ایجاد روح وحشت در جامعه لکن تصمیمات فردی در ایجاد وضعیت جنگی و افزایش مالیات های پرداختی از یک ملت بزرگ و پیشرو، مردمی خسته و آزرده خاطر ساخت تا جایی که اعراب بدوی با تهاجمات خود امپراطوری ساسانیان را

جدول ۴: ویژگی‌های دوران اعراب

شاخص	ترتیبات اجرایی
فرهنگی	فرهنگ بدوی و اسلامی، بهره‌برداری متقابل فرهنگی،
حکومتی	عدم تجربه حکومت‌داری، واگذاری حاکمیت اجرایی و علمی به ایرانیان
سیاسی	پیوند دین و سیاست

منبع: یافته‌های پژوهش

و تاریخ باستان ایران در حکومت صفویه باعث افزایش مشروعیت حاکمیت و هویت ملی در کشورگردید. "سیاست ملی دولت بر انسجام ملی تأثیرگذار بوده، بدین صورت که هر چه دولت قوی‌تر بوده، در تقویت و انسجام ملی نیز موفق‌تر عمل کرده است. همچنین سیاست‌های ملی دولت وابسته به گرایش مذهبی یا ناسیونالیستی نیز بر هویت ملی مؤثر بوده است." (بینائیان و همکاران، ۱۴۰۲)

به باور برخی از محققان علی‌رغم تحولات اثرگذاری همچون یکپارچگی کشور برمدار مذهب تشیع در دوره صفویه نتوانست باعث پیشرفت و ترقی ایران گردد. "به‌رغم همه تحولات مهم و سرنوشت سازی که در دوره صفویه رخ داد، در این دوره به جزء تغییر مذهب و پیامدهای وسیع آن، به‌ویژه در شکل دادن به مناسبات دین و دولت که آثارش تا امروز برجای مانده است، چرخش‌های بزرگ دیگری در دیگر قلمروهای زیست ایرانی پدید نیامد. نه گسست تاریخی-تمدنی رخ داد و نه ایران در مدار تمدن جدید قرار گرفت و نه ایرانیان ماهیت و مناسبات دنیای جدید را که مبتنی بر انسان‌مداری، دین‌پیرایی، عقل‌گرایی و دنیاگرایی بود درک کردند. واقعیت این است که در وضع اجتماعی و اقتصادی ایرانیان، به‌استثنای امنیت فراگیر، تغییر معنادار و ماندگاری رخ نداد، سامان سیاسی معنا و کارکرد دیگری نیافت، دولت ملی شکل نگرفت، رنسانسی رقم نخورد، روابط پایدار با اروپا برقرار نشد و وحدت ملی پدید نیامد. (ملایی توانی، ۱۴۰۲)

این هویت، فرهنگ و تمدن انسجام‌یافته در طول تاریخ، هر اشغالگری را تحت تأثیر خود قرار داد. تجلی مجدد آن شکوه و عظمت این بار با تلفیقی از ایران باستان و مذهب تشیع در دوره صفویه احیاء شد. "تشیع با زمینه‌سازی برای اعطای جایگاه معنوی به پادشاهان صفوی، ناشی از انتصاب به ائمه اطهار و همچنین فقهای تشیع با ارائه احکام فقهی موردنیاز موجب افزایش توان حاکمیت در ایجاد انسجام اجتماعی گردیدند. ضمن اینکه غیریت‌سازی ژئوپلیتیکی با حکومت اهل سنت عثمانی نیز در ایجاد انسجام اجتماعی تأثیرگذار بود." (لشکری تفرشی، ۱۴۰۲)

ایران به لحاظ گستردگی دارای فرهنگ‌های مختلف بوده است، این تنوع فرهنگی، در مقاطعی که با ضعف حکومت در مرکز مواجه می‌گردید به سمت تشتت و واگرائی حرکت می‌نمود؛ و این شاهان اقتدارگرا بوده‌اند که با ایجاد ساختارهای انتظام یافته، می‌توانستند تعادل، نظم و امنیت در قلمروهای خود را موردتوجه مردم قرار دهند.

"دودمان صفویه توانست، از ایران دوباره "ملت-دولت" مستقل، خودمحور، نیرومند و مورداحترام بسازد که مرزهای آن در زمان پادشاهی شاه‌عباس یکم برابر مرزهای ساسانیان بود، باروی کار آمدن سلسله صفوی حکومت بر اساس اندیشه واحدسازی ملی از طریق مذهب تشیع شکل گرفت. برقراری تشیع اثنی‌اعشری به‌عنوان مذهب رسمی کشور توسط صفویه موجب آگاهی بیشتری نسبت به هویت ملی و بدین طریق ایجاد حکومت متمرکز و قوی‌تری شد." (عبدی و مظاهری، ۱۳۹۳) این روند استفاده

جدول ۵: ویژگی‌های دوران صفویه

شاخص	ترتیبات اجرایی
فرهنگی	تنوع فرهنگی (تاریخی-مذهبی) انسجام یافته،
حکومتی	ایجاد ملت-دولت پایدار، امنیت، غیریت سازی با سنی‌های عثمانی
سیاسی	واحد سازی ملی-مذهبی (تشیع)

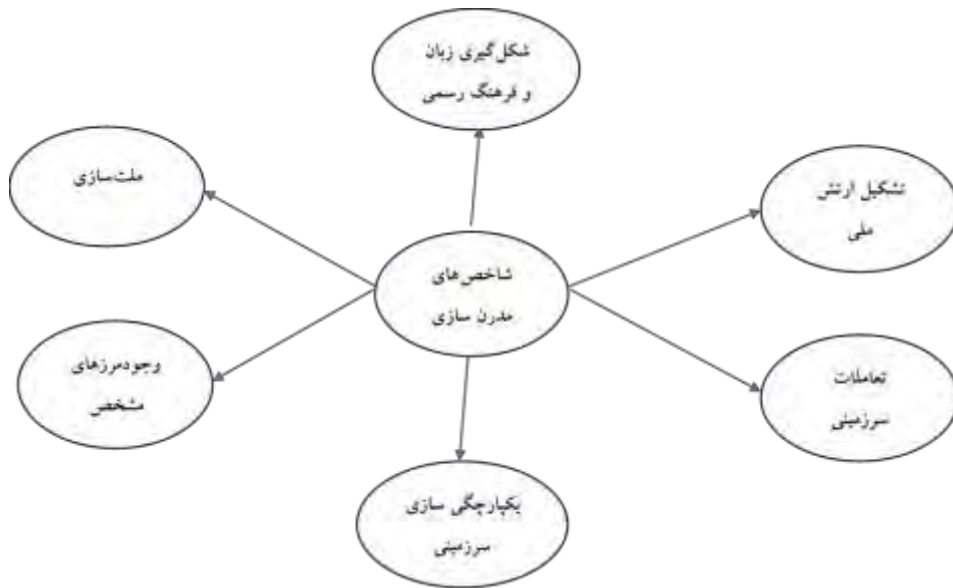
منبع: یافته‌های پژوهش

قاجاریه طایفه‌ای از نژاد مغول بودند که هنگام کوشورگشائی چنگیز خان از مغولستان به ایران وارد، در منطقه ارمنستان مقیم شده بودند، در هنگامه قیام شاه اسماعیل صفوی به یاری او شتافتند. این طایفه از این پس با انتصابات در حکومت صفوی کم کم مطرح و به شهرت و قدرت رسیدند. "با نگاهی گذرا بر اوضاع فرهنگی و اجتماعی دوره قاجار به این نتیجه می‌رسیم که قاجاریه بعد از تسلط بر ایران نتوانسته است انتظامات لازم فرهنگی و سیاسی جدیدی ایجاد نماید و بیشتر بر همان سیاق گذشته پرداخته است، البته به جزء تلاش‌هایی همچون دوره استثنائی امیرکبیر که بیشترین تلاش جهت ایجاد انتظامات لازم در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقداماتی صورت گرفت. از جمله تشکیل سپاه نظم یافته و سرکوب مدعیان در گوشه و کنار کشور و آنگاه ایجاد نظم و نسق دخل و خرج دولتیان، در نهایت تأسیس مدرسه دارالفنون را

می‌توان نام برد. "زین‌العابدین و بختیاری، ۱۴۰۳: ۱۲۸)"
 "از آنجایی که انقلاب مشروطه بر بستری غیر آماده به وقوع پیوست، لاجرم به اهدافش نرسید. روشنفکران ایرانی هم به این نتیجه رسیدند که بدون بستر آماده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پیروزی آرمان مشروطیت امکان‌پذیر نیست. از این رو تنها راه نجات ایران ایجاد دیکتاتوری منور و پیشرو تصور شد تا بتواند در سایه زور و اجبار و اقتدار با مدرنیزه کردن اقتصاد و فرهنگ جامعه، شرایط را برای پیاده کردن مرحله نهایی مشروطه که توسعه سیاسی است فراهم کند، از دل این تفکر رژیم پهلوی... بر سرکار آمد.
 "ملک‌زاده و بقائی، ۱۳۹۵)" نخستین دولت مطلقه مدرن در هیات دولت نوساز رضاشاه پدیدار گشت. همچون سایر ملل جهان آن روز برمدار چهارعنصر سرزمین، جمعیت، حاکمیت و حکومت ظهور نمود.

بعد از سلسله صفویه، این نادر (ندرقلی) از ایل افشار بود که توانست به واسطه ازدواج با دختر یکی از روسای افشاریه راه ترقی را آغاز کند. او پس از جنگ‌های فراوان یکپارچگی ایران را تثبیت نمود و در ۲۴ شوال ۱۱۴۸ یعنی دوازده روز به عید نوروز مانده تاج سلطنت بر سر بگذارد، خود را نادرشاه بخواند، "ساختار دیوان در دوره افشاریه تا حد زیادی متأثر از همان دستورالعمل‌های امور دیوانی در دوره صفویه بود. ساختار نهادی در دولت صفویه از سه لایه نظامی، دیوانی و مذهبی تشکیل می‌شد که لایه نظامی کارکردهای امنیتی را بر عهده داشت، لایه دیوانی به اداره امور سلطنتی و لایه مذهبی به کارکردهای آموزشی، قضایی و اداره امور وقفی می‌پرداخت. "سرافرازی و ناصری، ۱۳۹۷)" سلسله صفویه در حقیقت به سال ۱۱۴۵ با خلع طهماسب دوم منقرض شده بود لکن با عزل شاه‌عباس سوم به کلی برافتاد.

بعدها طایفه زند که از لرها بودند، با ظهور کریم‌خان زند به شهرت رسیدند. پس از تزلزل و بحران‌های ایجادشده در زمان آخرین شاه افشاریه، کریم‌خان زند با سعی و کوشش فراوان توانست با جنگ‌های پی‌درپی بر کلیه شورشیان و مدعیان حکومت فائق آید، با استقلال بر تمام ایران حکومت خود را آغاز نمود، این تمامیت را تا پایان عمر حفظ و حضانت نمود. "کریم‌خان بر روی هم یکی از پادشاهان خوب و خوش‌سیرت ایران است. مردی بود رعیت دوست و خوش‌رفتار و خالی از حس کینه‌کشی و سخت‌کشی، بسیار ساده می‌زیست و به تکلفات زندگانی، دستگاه، جاه و جلال سلطنتی زیاد علاقه نداشت حتی از قبول عنوان پادشاه و سلطان نیز احتراز می‌جست و خود را در تمام عمر وکیل‌الرعا یا خواند. "پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۸۲: ۸۸۷"



شکل ۱: شاخص‌های حکومت مدرن

منبع (عبدی، ۱۳۹۳)

خود را اجرا کند. این شرایط شامل تک‌صدایی در جامعه، ایجاد احساس تحقیر و شکست خوردگی، فقدان حاکمیت قانون و بی‌توجهی به قانون، غفلت از حقوق انسانی، افزایش مهاجرت عشایر و روستائیان به شهرها و تخلیه روستاها، تضعیف و غفلت از هویت دینی، اشرافی‌گری، فرصت‌طلبی، تضعیف فرهنگ بومی و پذیرش افراطی تفکرات غربی، احیای ایران باستان در سایه ارزش‌های غربی، راه‌اندازی مراکز با هدف تعریف هویت جدید ایرانی، توجه به ادبیات تاریخی، دیپلماسی فرهنگی و بی‌اطلاعی مردم بود. با وجود این توسعه دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و ارتباطات جدید، نظم فرهنگی تازه‌ای پدید آورد که ایران را به دنیای مدرن پیوند داد؛ اما بی‌توجهی به لایه‌های سنتی و مذهبی، نهایتاً بحران مشروعیت فرهنگی را رقم زد.

رضاشاه در چارچوب سیاست‌های فرهنگی خاص خود، به ایجاد ساختارهای نوین در بیشتر ابعاد حکومتی همچون دول پیشرفته آن روز جهان اقدام نمود او به گسترش آموزش و پرورش رسمی و تأسیس دانشگاه، خدمت اجباری سربازی، ایجاد ارتش متمرکز و سراسری، گسترش دستگاه اداری متمرکز که شباهت قابل‌توجهی با نظام ساسانی داشت، تأسیس بانک ملی و دستگاه‌های اداری، تأسیس سازمان ثبت‌احوال، تقسیمات ساختاری کشوری مدرن، ایجاد نظام حقوقی و تشکیلات جدید دادگستری و نظام جدید آموزش پرداخت. لکن در اواخر حکومت پهلوی دوم مسیر انحطاط با استبداد رأی شخص پادشاه آغاز گردید. محمدرضا پهلوی با هدف دستیابی به نوسازی اجتماعی و ایجاد طبقه متوسط جدید نیازمند ایجاد شرایط و زمینه‌هایی بود تا بتواند سیاست‌های اشراف‌گرایانه و سلطنت‌طلبانه

جدول ۱: ویژگی‌های دوران پهلوی

شاخص	ترتیبات اجرایی
فرهنگی	ایجاد ساختارهای نوین: مدارس و دانشگاه، مراکز فرهنگی و...
حکومتی	ایجاد ارتش، دیوانسالاری اداری، مدرن‌سازی،
سیاسی	سیاست تک‌صدایی، قانون‌گریزی، وابستگی،

منبع: یافته‌های پژوهش

ظرفیت‌های فرهنگی خود از تاریخ و تمدن پر افتخار تا عنصر وحدت‌بخش مذهب تشیع، منابع عظیم خدادادی و پیام آزادیخواهی انقلاب اسلامی و... در سایه قدرت نرم به پیشرفت و رفاه نسبی دست یابد آنگاه با ایجاد جذابیت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ملت‌های منطقه را به اقتباس و پیروی هر چه بیشتر به سمت خود دعوت نماید؛ و از فرهنگ نظم یافته خود به‌عنوان منبع مولد قدرت نرم حداکثر استفاده کاربردی را حاصل نماید.

سیر تاریخی ایران نشان می‌دهد که انتظام‌بخشی فرهنگی همواره بر سه محور اصلی استوار بوده است:

۱. جغرافیای فرهنگی و تنوع اقلیمی که بستر تمدن‌سازی را فراهم کرده است.

۲. مذهب و باورهای دینی که در مقاطع مختلف عامل انسجام و هویت‌بخشی بوده است.

۳. ساختارهای سیاسی-حکومتی که نظم فرهنگی را به شکل نهادی مستقر ساخته‌اند.

این روند تاریخی ایران را به یکی از معدود کشورهای تبدیل کرده است که با وجود تهاجمات و تغییرات گسترده، هویت فرهنگی خود را حفظ کرده و توانسته است الگویی از پایداری فرهنگی-تمدنی ارائه دهد. انسجام فرهنگی در ایران فرآیندی پویا، چندلایه و مستمر بوده است. این روند در طول تاریخ همواره میان سه محور اصلی جغرافیا، مذهب و سیاست در نوسان و تعامل بوده است. ایران به‌واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری خود توانسته است علی‌رغم فشارهای خارجی و داخلی، هویت فرهنگی خود را حفظ کند و حتی آن را به ابزار نفوذ و قدرت منطقه‌ای بدل سازد.

انقلاب اسلامی ایران از نظر ماهیت در نوع خود بی‌نظیر بود، حتی از انقلاب مشروطه که نشأت گرفته از ارزش‌های غربی بود. این انقلاب با اتکا بر مذهب تشیع برخوردی تند با ارزش‌های غرب (لیبرالیسم) و شرق (کمونسیم) داشت، در این دوره حکومت ملی با مذهب در آمیختگی پر رنگی پیدا کرد، البته در تاریخ ایران همیشه مذهب عامل یکپارچگی و وحدت ملی بوده است. ایران در دوره جمهوری اسلامی در بیشتر اسناد بالادستی خود به دنبال ایجاد ساختارهای روز جهان از جمله قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه به‌منظور تحقق سیاست‌های فرهنگی خود بوده است. از این نظر جزو کشورهای منحصربه‌فردی است که در چشم‌اندازهای سیاسی و آرمانی خود بر حق و حقوق آحاد جامعه تأکید نموده است. "از جمله این حق‌ها، تضمین کامل حقوق فرهنگی، حق مشارکت در زندگی فرهنگی، حق بر خواندن و نوشتن به زبان مادری در مدارس دولتی و خصوصی، حق دسترسی بر آموزش و پرورش رایگان، حق تشکیل انجمن‌های فرهنگی، حق بر انتشار مطلب به زبان مادری در روزنامه‌ها و مجلات و رسانه‌های عمومی از جمله تأسیس تلویزیون و شبکه برای تبلیغ و اشاعه فرهنگ محلی، حق بهره‌مندی از پیشرفت‌های علوم و سایر حقوق دیگر. علاوه بر این مکانیسم‌های تکمیلی از جمله اصول عدم تبعیض، اصول تساوی در دسترسی به حقوق فرهنگی در قانون اساسی ایران تضمین شده است. "(پورمحمد، جعفری و حاتمی، ۱۴۰۲)

در این دوران، فرهنگ به‌عنوان ابزاری برای مقاومت در برابر سلطه خارجی و هم‌زمان بستری برای گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران عمل کرد. استفاده از رسانه‌ها، گفتمان عدالت و همچنین بهره‌گیری از سرمایه عظیم تاریخی و مذهبی ایران را در موقعیتی قرار داد که می‌تواند در فضای بحران‌زده خاورمیانه نقش‌آفرینی کند. ایران می‌تواند با استفاده از کلیه

جدول ۷: ویژگی‌های دوران جمهوری اسلامی

شاخص	ترتیبات اجرایی
فرهنگی	مشارکت فرهنگی در ابعاد مختلف، نفی لیبرالیسم و کمونسیم.
حکومتی	اتکا بر مذهب تشیع، تفکیک قوای سه‌گانه، عدالت‌طلبی.
سیاسی	استقلال سیاسی، اصل تساوی، مشارکت مدنی، آزادی فکری.

شکل‌گیری و انتظام‌بخشی قلمرو جغرافیای فرهنگی ایران

فلات ایران دارای حصارهای مستحکم طبیعی است، این موضوع در شکل‌گیری فرهنگ آن تأثیر به‌سزایی داشته است. لکن در درون خود با خرده‌فرهنگ‌هایی مواجه است که آن نیز نشأت گرفته از اقلیم‌های متفاوت در داخل این فلات پهناور می‌باشد. "فلات ایران مثلثی است بین دو فرورفتگی خلیج فارس در جنوب و دریاچه خزر در شمال و آن را در نقش پلی می‌توان تصور نمود که بین آسیای مرکزی و آسیای غربی، تشکیل برآمدگی می‌دهد که جلگه‌های آسیای داخلی را به فلات‌های آسیای صغیر و اروپا متصل می‌کند." (گیرشمن، ۱۳۸۳: ۱).

جهت شناخت فرهنگ در فلات ایران که ریشه در تاریخ داشته و پایداری آن در برابر هرگونه تخطی و... نشانه غنای آن می‌باشد، می‌بایست ابتدا به ابعاد اکولوژیک آن توجه نمود. چراکه این فلات را ۲۱ درصد کوهستان ۶۶ درصد را نواحی نیمه‌خشک و ۱۳ درصد نیز از جلگه‌ها تشکیل داده است؛ و این امر باعث ایجاد خرده‌فرهنگ‌های مختلف در درون این فلات گردیده است. "فلات ایران ناحیه‌ای جغرافیایی-منطقه‌ای و فرهنگی است که همواره باعث تنوع نژادی و بومی شده است. در این میان تنوع و تکثر اقوام تشکیل‌دهنده جامعه ایران به نحوی است که اطلاق واژه‌های کثیرالقوم و جامعه چند قومی به ترکیب جمعیتی آن از ترکیب و واقعیتی انکارناپذیر خیر می‌دهد. حضور و زندگی قومیت‌های متنوع چون فارس، کرد، ترک، بلوچ، عرب و ترکمن و... در کنار یکدیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحد، بیانگر موزاییک قومی-فرهنگی هویت و تمدن ایرانی است." (اخباری، غم پرور و بزله، ۱۳۹۴) زبان فارسی یکی از عناصر ماندگار در فلات ایران با توجه به فرازوفروود آن است که علی‌رغم جنگ‌ها و اشغالگری‌ها (اعراب، مغول، یونانی‌ها) همچنان گویش اکثریت مردم در این فلات می‌باشد. "دولت‌های ایرانی در ازمنه گذشته در زمان اقتدار، مرزهای سیاسی خود را بر مرزهای طبیعی (خط‌الرأس ارتفاعات پیرامونی فلات) منطبق می‌کردند تا بدین ترتیب هم فضای محصور و امنی

در برابر تجاوز دولت‌های پیرامونی برای خود و سکنه درون فلات به وجود آورند و تنها با زوال اقتدار و ضعف دولت ایران، کشور به اشغال نیروهای مهاجم در می‌آمد. "حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۶)؛ که محققان یکی از عوامل آن را حصارهای طبیعی در حاشیه فلات ایران و دوری مراکز فرهنگی-سیاسی اشغالگران در اعصار مختلف تاریخ می‌دانند و اما در جهان امروز به‌منظور انسجام‌بخشی بر ساختارهای فرهنگی و سیاسی، با مفهوم کشور در مطالعات ژئوکالچر روبرو هستیم. کشور یک مفهوم جغرافیایی سیاسی است که مجموعه‌ای از این واحدهای سیاسی، نقشه سیاسی دنیا را تشکیل می‌دهند. از نظر ساختاری، کشور از به هم آمیختن سه عنصر "سرزمین"، "ملت" و "حکومت" پدیدار می‌آید. مکانیزم اداره سرزمین از سوی حکومت بر اساس اراده ملت، پیونددهنده این سه عنصر است، از پیوند این سه عنصر مفهوم "کشور" واقعیت می‌یابد.

قلمرو جغرافیایی کشور در زمان هخامنشیان، بزرگترین ساختار انتظام یافته یک امپراطوری در جهان آن روز بود که شامل ماوراءالنهر، سند و پنجاب، شبه‌جزیره عربستان، قفقاز، شمال آفریقا، مدیترانه و جنوب شرقی اروپا را در برمی‌گرفت. از این نظر محدوده ایران زمان هخامنشیان دریاهای عمان، خلیج فارس، اقیانوس هند، دریای سرخ، دریای مدیترانه، دریای اژه، دریای مرمره، دریای سیاه، دریاچه خزر و خلیج عدن را در بر می‌گرفت و از این لحاظ بزرگترین محدوده دریایی دنیای آن روز در اختیار ایران بود. با توجه به آنچه گذشت ایران به‌نوعی در مرکزیت و کانون فرهنگی و جغرافیایی ارتباطی بین شمال، جنوب و شرق و غرب اوراسیا واقع گردیده است. "امپراطوری یک کشور بزرگ است که بر سرزمین‌های خارج از مرزهای اصلی خود حاکم است. تعاریف آنچه از نظر فیزیکی و سیاسی امپراطوری را تشکیل می‌دهند متفاوت است. امپراطوری‌ها به‌طور معمول از اجزای مختلف قومی، ملی، فرهنگی و مذهبی تشکیل

صفات حسنه منحصر به فردی هستند مانند تواضع و فروتنی نسبت به همشهریان، طبع سلیم و طاعت پذیر، مخالفت با برتری جویی و تکاثر طلبی، عزت نفس و...

تحلیل جایگاه عدالت در فرهنگ ایرانی

تاریخ گواه آن است، یکی از نکات برجسته فرهنگ ایرانیان که ریشه در کالبد جغرافیایی آن‌ها نیز دارد، گرایش به عدالت‌گستری است، این موضوع تبدیل به هویت ایرانیان نیز شده است. در برهه‌هایی این روحیه و خصلت در ایرانیان احیای مجدد یافته، از جمله در دوران خلافت حضرت علی (ع) چراکه اساس و جوهره شخصیت این انسان کامل را در تبیین و اجرای عدالت می‌دانند. این نگاه بر حکومت‌ها در ادوار تاریخ با حاکمانی که بر عدالت‌گستری تأکید و در اجرا آن موفقیت داشته‌اند. در نزد ایرانیان نیکو ارزیابی کرده است.

تحلیل جایگاه اقتصاد و سیاست در فرهنگ ایرانی

تاریخ ایران حکایت از تأثیرگذاری روابط اقتصادی بر فرهنگ و هویت او داشته است. تا همین اواخر ما شاهد فرهنگ کوچ‌نشینی و اقتصاد کشاورزی بوده‌ایم که در ساخت فرهنگ ایران بیشترین تأثیر را داشته‌اند. همچون دست‌به‌دست شدن قدرت تا پیش از انقلاب مشروطه توسط ایلات و عشایر را می‌توان نام برد. ساختار فرهنگ سلسله‌مراتبی در ایلات در فرهنگ سیاسی ایرانیان نیز نفوذ کرده است. یکی از باورهای موجود در فرهنگ سیاسی مردم ایران که ریشه در تاریخ نیز دارد حکومت را مسئول کلیه امور کشوری و لشگری می‌دانند. " به عبارتی نگاه به فرهنگ سیاسی، شناخت رابطه متقابل دولت و ملت از یک سوء و نوع و میزان تأثیرگذاری رابطه فرهنگ با سیاست از سوی دیگر است؛ بدین دلیل برای دستیابی به درک صحیحی از میزان و محتوای فرهنگ سیاسی مردم، اصل میزان اعتماد و وفاداری مردم نسبت به نظام سیاسی بسیار مهم است. " (ازغندی، ۱۳۹۲: ۹۰) تضعیف اعتماد عمومی به حاکمان در طول تاریخ باعث عدم مشارکت در

می‌شوند. " (احمدی نوحدانی، نصیرزاده و صالح‌آبادی، ۱۴۰۴)

این موقعیت باعث تلاقی دیدگاه‌های سیاسی، تجاری و فرهنگی ملت‌ها بوده. این فرهنگ غنی مردمان این سرزمین بوده است که در اعصار مختلف تاریخی در زمان اشغال توسط بیگانگان نه تنها تحت تأثیر فرهنگ آن‌ها قرار نگرفته است بلکه خود باعث تأثیرپذیری بر اشغالگران شده است؛ و این توانایی در بازتولید فرهنگی با وجود اختلاط جمعیتی و حتی در مقاطعی با غلبه خط، زبان، مذهب و ارزش‌های دیگر اشغالگران نه تنها مرعوب نشده است بلکه با اتکا به فرهنگ و تاریخ خود و با ترکیب عناصر بیگانه با الگوهای فرهنگی خویش به جذب عناصر سازنده اشغالگران پرداخته تا در تداوم هویت و حیات فرهنگی خود همچون ملتی زنده، پویا و اثرگذار در صحنه تاریخ ماندگار باشد.

تأثیرات ترکیبی میراث و مذهب در انتظام بخشی

جغرافیای فرهنگی ایران

ظهور تفکر و فرهنگ عرفان زده در جغرافیای ایران با ویژگی‌ها و موقعیت جغرافیایی آن ارتباط دارد. لذا با توجه به موقعیت حائل ایران بین قدرت‌های جهانی پس از سقوط امپراطوری ساسانی و جنگ‌ها و مصیبت‌های سهمگینی که در این سرزمین اتفاق افتاده است، پناه بردن به خدا از شر اقوام مهاجم و ظالم به یکی از زیرساخت‌های فرهنگ ایرانی تبدیل شده است. حتی راه سعادت را در نفی دنیا طلبی جستجو می‌کنند. هجوم‌ها باعث شد تا در فرهنگ ایرانی رهبران کاریزماتیک، بیش از برنامه‌ها اهمیت یابند، این امر اسباب ایجاد رویکردهای انتظام یافته در غالب حکومت‌های متمرکز با ساختار برنامه‌ریزی بسیط را در ایران تقویت نموده است، حتی در بعضی از مقاطع تاریخی عناصر فرهنگی همچون دین، ادبیات، اشعار و عرفان به کمک آن برای تثبیت بیشتر ورود کرده است. تمدن و فرهنگ ایرانیان یکی از تمدن‌های کهن است. سهم ایرانیان در پیشرفت علم و معرفت بر اساس مقالات و کتاب‌های متعدد موجود مورد تأیید دوست و دشمن است. ایرانیان دارای خلق‌و‌خو و

برنامه‌ریزی‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد شده است. از دلایل عمده آن؛ تمرکز جغرافیایی قدرت و نبود توزیع متوازن آن در بستر جغرافیای کشور است. از چالش‌های عمده این نوع حاکمیت عدم مشارکت، توجه و شناخت عموم جامعه از موضوعات می‌باشد. از عوامل مؤثر در فرهنگ سیاسی ایرانیان عدم وجود روحیه تساهل است، این امر باعث کم‌رنگ شدن تعاملات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در بین نخبگان سیاسی و عناصر دیگر شده است؛ پیامد آن رفتارهای تنش‌زا و بحران‌آفرین برای کشور و ملت است.

تحلیل جغرافیای سیاسی فرهنگ ایرانی

"از دیدگاه جغرافیای سیاسی ملت ایران دارای شکاف مذهبی و قومیتی می‌باشد که در عصر کنونی و به واسطه افزایش آگاهی‌ها محسوس‌تر شده‌اند و می‌توان گفت، پرداختن به هر یک از شاخصه‌های هویت کنونی ملت ایران یعنی مذهب تشیع یا هویت ایرانی و نادیده گرفتن دیگری ایجاد شکاف ملی را در پی دارد." (امام جمعه‌زاده، ۱۳۹۳)

در قلمرو جغرافیایی جهان اسلام مسلمانان به دو گروه شیعه و اهل سنت تقسیم می‌گردند. حدود ۹۴ درصد مردم ایران شیعه هستند، از این لحاظ این عامل می‌تواند زمینه‌های همبستگی ملی در داخل ایران و تمایز مذهبی آن از سایر کشورها گردد، این امر در ایجاد هویت منحصر به فرد مذهبی کشور ایران نسبت به اکثریت کشورهای دیگر مؤثر است. ایرانیان اصالتاً از نژاد آریایی هستند، در حدود ۳۵۰۰ سال پیش به ایران وارد شدند. به‌طور کلی عامل آگاهی نژادی و قومی، به‌صورت عامل منسجم‌کننده ملی‌گرایی ایرانی درآمده است؛ زیرا درجه بالای خلوص نژاد ایرانی و تأثیر کم اختلاط با اقوام غیر ایرانی به شکل گسترده‌ای در ایران مورد قبول است.

از آنجاکه ایران با ساختارهای تلفیقی (سیاسی-مذهبی) بیشتر ویژگی‌های مطلوب یک کشور را دارا می‌باشد، در صورت استفاده بهینه از این موقعیت و همراه ساختن آن با فرهنگ غنی بن‌مایه‌های لازم را برای راهبری و اشاعه در سطح منطقه خاورمیانه و جهان را دارد. "یکی از

اساسی‌ترین ویژگی‌های همگرایی منطقه‌ای، فرهنگ مشترک بوده و نظریه‌های همگرایی نیز کم‌وبیش بر آن تأکید ورزیده و منطقه‌گرایی مقدمه‌ای برای جهانی‌شدن است. "(فرجی راد، قربانی نژاد و مهربان، ۱۳۹۶) این موارد می‌تواند ایران را به یک قدرت بلامنازع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه تبدیل نموده تا با اتکاء آن ایفای نقش نماید. "رخداد انقلاب اسلامی در ایران، رفتارها و کنش‌های ژئوپلیتیکی را با تحولاتی مواجه ساخت و به پیامد آن، نوعی همگرایی اسلامی در کشورهای خاورمیانه برای پی‌ریزی مبانی تمدنی و حکومتی بر مبنای آموزه‌های دینی و بومی شکل گرفت. سابقه تمدنی اسلامی در کنار سابقه‌ی استعماری کشورهای غربی، زمینه‌های مشترکی را پدید آورد که بر اساس آن، کشورها و گروه‌های مسلمان در خاورمیانه به‌سوی نوعی همگرایی راهبردی سوق یافتند. "(بختیاری، واثق، کامران و رامشت، ۱۴۰۲)

تحلیل تعامل در فرهنگ ایرانی

از ویژگی‌های ایرانیان، در طول تاریخ همزیستی فرهنگی با ادیان و ملت‌ها بوده است، به‌طوری‌که در آمیزش و هضم هر دین و فرهنگی به‌منظور همراه نمودن با خود ید طولانی دارد. "ایرانیان با آوردن اسلام، تغییری بنیادی در بعضی از شئون پدید نیاوردند. اعتقاد به پروردگار یکتا بر جای خود ماند، ابلیس به‌جای اهریمن نشست. آتشکده تبدیل به مسجد گردید. نمازها و نیازها تنها تغییر شیوه دادند، حتی در جاهایی نماز به زبان فارسی خوانده شد. نام‌های قدیمی جابجا حفظ گردید و رسم‌های کهن چون نوروز و سده و مهرگان و غیره بر جای ماندند. سبک معماری بناهای ساسانی متروک نشد و موسیقی باربدی و نکیسایی نیز نشانه‌هایی از خود بر جای نهاد، یاد ایران باستانی از حافظه‌ها نرفت." (ندوشن، ۱۳۷۹: ۲۲)

خصوصیات روانشناختی اسلام شیعی که تأکید بر فضائی از رنج و بی‌عدالتی را بهای ناگزیر تعهد به ایمان حقیقی می‌داند، این سوءظن و بیگانه ترسی تاریخی را تقویت می‌کند؛ بنابراین نوعی سوءظن و نخوت نسبت به

هستند. این در حالی است که ژئوکالچر شیعه در منطقه از قدرت بالایی برخوردار است.

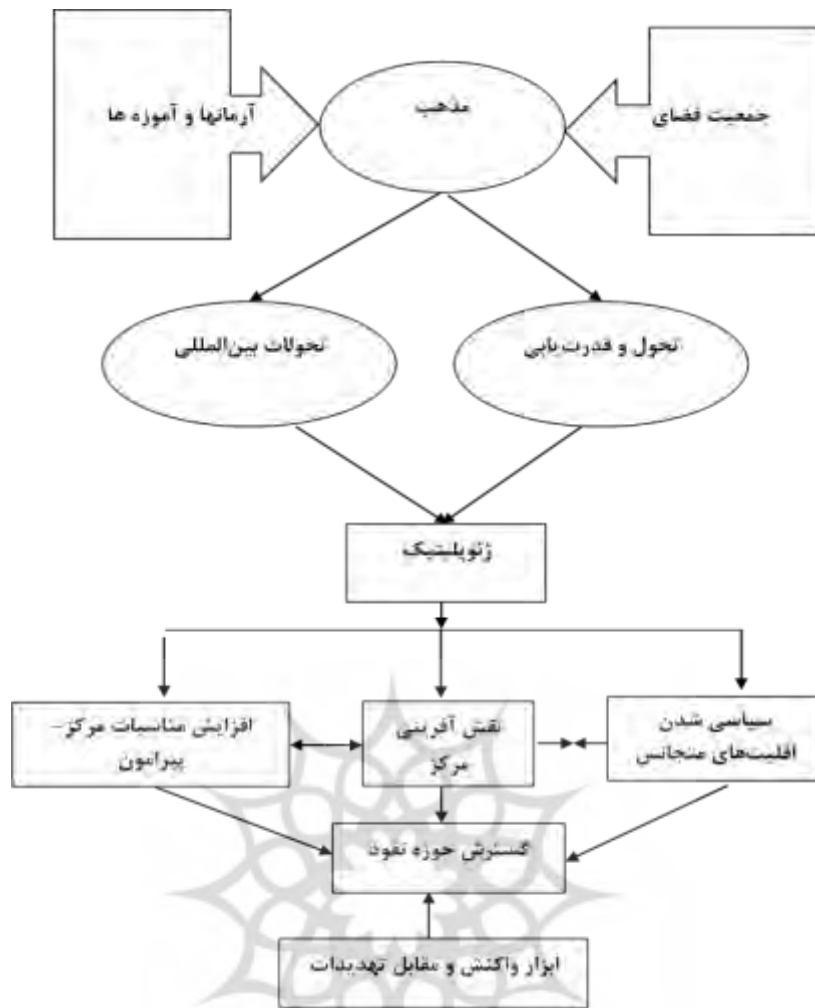
مذهب شیعه یک پدیده محلی و ملی نمی‌باشد، فرامین آن برای همه اقوام و ملت‌ها است. گرچه کانون شیعه مربوط به واحد جغرافیای خاص بوده اما دارای ماهیت جهانی است، این ماهیت به واسطه، فرهنگ شیعه که تبلور آن در مناسک شیعه، فقه پویا، تفسیر قرآن، ایدئولوژی شیعه، اماکن مذهبی شیعه، شخصیت‌های بزرگ شیعه (مراجع تقلید) جشن‌ها و سوگواری شیعه (نوحه، مداحی، سرود، تواشیح)، احادیث و روایت شیعه، زندگی‌نامه ائمه (ع)، پاسخ به پرسش‌های مذهبی، قیام‌ها و ظلم‌ستیزی نهضت‌ها و عدالت‌محوری شیعی نمود پیدا کرده است. به طوری که بیشتر ابعاد آن، در فرآیند تاریخی به صورت یک آرمان سیاسی و اجتماعی برای آحاد جوامع مختلف جلوه می‌کند. نمونه بارز آن شرکت آحاد جوامع شیعی، سنی و حتی مسیحی (۴۰) کشور در راهپیمایی اربعین حسینی و استفاده معنوی از آن را می‌توان نام برد.

دنیای خارج با تصمیم جدی برای کسب استقلال و عدم آمیزش با قدرت‌های خارجی همراه است. در دنیایی که غالباً زیر سیطره نیروهای خارجی ویرانگری بوده که سعی داشته‌اند ایران را به انقیاد خود درآورند، بهره‌گیری از زیرکی سنتی ایرانی یکی از ابزارهای مهم لازم برای استمرار بقا بوده است. این زیرکی ایرانی را علاوه بر پایداری داخلی به استفاده از مزیت‌های خود برای ایجاد ثبات منطقه‌ای در طول تاریخ رهنمون بوده است. "تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و فرماندهی ایران، در شرایطی تحقق می‌یابد که جمهوری اسلامی ایران، توسعه پایدار و تعاملات داخلی و خارجی خود را در قالب یک استراتژی جامع و متکی بر واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک، با تکیه بر مزیت‌های نسبی کشور، طراحی و تدوین کند." (اخباری، ۱۴۰۲)

تحلیل ماهیت تأثیرگذاری فرهنگ ایرانی

از لحاظ تأثیرگذاری ژئوکالچر، جوامع شیعیان به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- شیعیانی که تأثیر ژئوکالچر داخلی ندارند. از جمله جوامع شیعی اسماعیلی.
 - ۲- شیعیانی که بُرد ژئوکالچر داخلی دارند؛ مانند شیعیان عراق و پاکستان.
 - ۳- شیعیانی که هم تأثیرات ژئوکالچر داخلی و هم خارجی دارند؛ مانند شیعیان ایران
- از این رو ژئوکالچر ایران در دسته سوم قرار دارد، چراکه مرزهای داخلی را درنوردیده و دل‌های شیعیان بسیاری را تسخیر کرده است. هرچند ژئوکالچر شیعه ایران تمامی وسعت جهان اسلام را شامل نمی‌شود. شیعیان اگرچه به لحاظ جمعیتی اکثریت را در کشورهای حاشیه خلیج فارس تشکیل می‌دهند ولی جز در کشورهای ایران، عراق، آذربایجان و بحرین در سایر کشورها در اقلیت به سر می‌برند. این مسئله باعث شده است تا حاکمان سنی مذهب، در فرایندی اقتدارطلبانه که رنگ و لعاب قانونی نیز به خود گرفته است، آنان را در قدرت سهیم نکنند. شیعیان در این کشورها حتی از حقوق عادی شهروندی نیز تا حدی محروم



شکل ۲: نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ

منبع: (احمدی، ۱۳۸۹: ۷۱)

ایجاد تردید، شبهه و ابهامات کاذب در تاریخ، فرهنگ و دیانت مانع اوج گیری مادی و معنوی تشیع شده اند. "منشأ بیشتر منازعات در دنیای معاصر تضادهای ایدئولوژیک است. در منطقه مزبور ایدئولوژی هایی مانند سکولاریسم، ناصریسم، بعثیسم، صهیونیسم و اصول گرایی اسلامی (با تعاریف متفاوت و گاه متناقض) به مناقشات منطقه دامن زده است. پیامدهای نزاع مذهبی و سیاسی به صورت مسائلی مجزا رخ می نمایند اما در حقیقت نمایانگر جست و جویی مشترک برای تعریف جدیدی از مشروعیت سیاسی و بین المللی هستند." (محرابی، فرش چین و جوفار، ۱۴۰۲)

منظور از ژنوکالچر شیعه، نوع نگرش و رفتار شیعیان نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی، منطقه ای و جهانی است که تحت تأثیر مبانی نظری مهدویت، عقاید، باورها و سنت های شیعه، در طول تاریخ جهت حیات و بقای شیعیان شکل گرفته است. شیعه چهار بعد مختلف را یکجا در خود حفظ کرده است: الهی بودن، عقلانی بودن، انقلابی بودن و مردمی بودن. این چهار اصل ساختار اصلی تفکر سیاسی شیعه را تشکیل می دهد، به این ترتیب برخورداری شیعیان از این عوامل موجب پایداری ژنوکالچر شیعه شده است؛ و اما عوامل تأثیرگذار منفی بر پویایی شیعه در منطقه را می توان این گونه اعلام نمود. عامل تأثیرگذار سلفی گری و وهابیت، بهابیت، صهیونیسم، سکولاریسم، پان ترکسیسم، پان عربیسم؛ که با

جدول ۸: واکنش‌های مختلف نسبت به گسترش نفوذانتظام یافته ایران شیعی

ردیف	محورها	مصادق‌ها	مکان ابزار واکنش
۱	دینی و فقهی	فتوای تکفیر شیعیان، نجومیز قتل آنان	عربستان سعودی
۲	تشکیلاتی	ایجاد گروه‌های ضد شیعی (سپاه صحابه و طالبان)	پاکستان و افغانستان
۳	سیاسی و نظامی	ترور گروه‌های ضد شیعی	پاکستان، عراق و لبنان
۴	مردمی	قتل عام شیعیان	پاکستان، یمن و عراق
۵	فیزیکی	تخریب اماکن مقدس شیعیان	عراق
۶	نظری	هلال سیعی	اردن و مصر
۷	انتشاراتی	چاپ و انتشار کتب ضد شیعی	عربستان سعودی
۸	الکترونیک	فعالیت‌های متعدد، هک کردن سایت‌های شیعی	کشورهای مختلف

منبع: احمدی، ۱۳۹۰: ۲۵

راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌نماید. " (صفری نامیوندی، سلیمی سبحان، خلیل نژاد و رزجی، ۱۴۰۳) با توجه به فرهنگ، موقعیت ویژه کشور ایران، عوامل انسجام بخش داخلی و منطقه‌ای می‌توان این نوید را داد که فرهنگ و موقعیت ویژه دو بال پرواز ایران به سوی آینده‌ای امیدوارکننده است؛ که حاکمان این کشور در مقاطع مختلف تاریخی در صورت توجه به این دو بازوی قدرتمند توانسته‌اند خود و کشور را به سوی سرزمینی پویا با حاکمان خردمند در جهان معرفی نمایند. در بعضی مقاطع تاریخی و با غفلت از این عناصر راهبردی کشور ایران به سوی قهقرای تجزیه، اشغال، استثمار، شکاف سیاسی و اجتماعی کشیده شده است. امید است که در مقطع فعلی که همه بسترها تاریخی برای اوج‌گیری مهیاست خرد دولتمردان فرصت را غنیمت شمرده و از خود نامی نیک در تاریخ و فرهنگ این کشور باقی بگذارند.

امروزه ایران در برابر پدیده‌هایی چون جهانی شدن، رسانه‌های نوین، شبکه‌های اجتماعی و تغییرات هویتی قرار دارد. این عوامل هم تهدید و هم فرصت محسوب می‌شوند. تهدید از آن جهت که می‌تواند انسجام فرهنگی را تضعیف کنند و فرصت از آن نظر که امکان اشاعه فرهنگ ایرانی - اسلامی به سطح منطقه‌ای و جهانی را فراهم می‌سازند. در شرایط بحران‌زده خاورمیانه، ایران با بهره‌گیری از پیشینه

بیشتر کشورهای منطقه؛ خواهان نوعی مشروعیت بدون مشارکت سیاسی مردمی هستند. چراکه هرگونه ورود ملت‌های منطقه برای حاکمان نوعی خطر تلقی می‌گردد. " نگرانی گروه‌های حاکم در برخی از کشورهای عربی این است که اسلام‌گرایان در انتخابات آزاد و منصفانه پیروز شوند. به همین دلیل معیارهایی در قانون‌گذاری‌ها و اجرای امور اداری تعیین کردند که باعث می‌شود این پیروزی انتخاباتی برای آن‌ها دور از دسترس باشد. " (التیامی و کامران، ۱۳۹۸) برای کشورهای مستبد بعضاً ایدئولوژیک منطقه علی‌رغم تحولات چندوجهی ایجاد شده شاید مهم‌ترین عامل همانا دستیابی به نوعی مشروعیت می‌باشد. "به دلایل گوناگون در سطح جهانی خاورمیانه معاصر به صورت منطقه‌ای رمزآلود، دچار آشوب و جنگ، گهواره تروریسم، افراط‌گرایی مذهبی و حکومت وحشیانه به تصویر کشیده می‌شود و جستجو برای مشروعیت دغدغه بسیاری از حکومت‌های منطقه است. " (زین‌العابدین، یحیی پور و شیرزاد، ۱۳۹۱) استمرار این وضعیت نیز باعث احساس ترس و ناامنی در بین ملت‌ها می‌گردد که هزینه‌های فرهنگی و سیاسی بالایی برای جوامع و حاکمان به همراه دارد. "اگر مردم از فضایی به دلیل عدم راحتی یا ترس استفاده نکنند، باعث از بین رفتن عرصه عمومی می‌شود. ناامنی مکان‌ها و فضاها عمومی نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می‌کند و به‌عنوان مانعی بر سر

تمدنی و ظرفیت ژئوکالچری خود می‌تواند به بازیگری کلیدی در مدیریت فرهنگی نوین در منطقه بدل شود.

نتیجه‌گیری

روند انتظام‌بخشی جغرافیای فرهنگی ایران در گذر زمان، با یک پیشینه چند هزارساله، با فرازوفرودهای فراوان از تأسیس امپراطوری‌ها تا زمانه اشغال و انزوا تا تغییرات ادیان که با اتکا بر اقوام، متکی بر اقلیم بوده است، حکایت از یک روند ساختاری و پویا برمدار سرزمین مادری یعنی کشور ایران دارد. اگرچه ناهنجاری‌های روزگار در گذار از حکومت‌های سنتی تا مدرن این روند ساختاری و انتظامات آن را تحت تأثیر خود قرار داده است، لکن در کلیت آن خللی ایجاد نکرده است.

در تحلیل این روند رو به رشد در ایران این مسئله مطرح بود؛ که چه عوامل ساختاری بر انتظام جغرافیای فرهنگی ایران مؤثر بوده است و دودمان صفویه که داعیه‌دار مذهب تشیع بوده‌اند بر این سازمان‌دهی فضایی چه تأثیرات ماندگاری را به‌جا گذاشته‌اند؛ و در حال حاضر ایران با تکیه بر چه مؤلفه‌هایی می‌تواند به یک الگوی پایدار بلامنازع فرهنگی-سیاسی در منطقه خاورمیانه تبدیل شود.

ظهور و بروز حکومت‌ها، ادیان، اقوام و... هرکدام سهمی در این پویایی داشته‌اند، به طوری که هیچ‌کدام نتوانسته‌اند این روند پویای ساختار فرهنگی و سیاسی را منحرف و یا متوقف نمایند اگرچه سرعت آن را در بعضی مقاطع تاریخی کند نموده‌اند، لکن در ماهیت آن تأثیر قابل‌توجهی نداشته‌اند. در این روند فکری، سلسله امپراطوری‌ها و حکومت‌ها با ایده‌ها و روش‌های متفاوت ظهور و بروز کردند، لکن همه آن‌ها تحت تأثیر فرهنگ و حب وطن‌دوستی ایرانیان مدتی حاکمیت کردند. لکن در درازمدت در این فرهنگ هضم شده و به تاریخ پیوستند، آنچه پایدار و پویا همواره در حرکت می‌باشد کشوری با پایه‌های فرهنگی حول دولت-ملت است که در طول تاریخ حضور خود را در نقشه سیاسی جهان همچنان حفظ کرده است.

در کل روند جغرافیای فرهنگی ایران تحت تأثیر عوامل سه‌گانه جغرافیا، مذهب و ساختار قدرت سیاسی بوده است که در مقاطع مختلف هر یک از این عناصر نقش پررنگ‌تری را ایفاء نموده‌اند.

با توجه به آنچه گذشت می‌توان ادعان نمود که شاهان ایران در گستره جغرافیایی فلات ایران و با تمسک به مؤلفه‌های تمدنی، فرهنگی و مذهبی در ادوار مختلف تاریخی و با شیوه‌های حکمرانی پویا در شکل‌دهی به انسجام هویتی و یکپارچگی سرزمینی موفق بوده‌اند. در این بین مذهب تشیع به‌عنوان یک عنصر ژئوکالچری هم نقش ملی و هم منطقه‌ای ویژه‌ای داشته است؛ که در دوره صفویه به نقطه عطف نهادینه شدن پیوند بین مذهب و دولت تبدیل گردید. این روند با تلفیق ساختارهای سیاسی-مذهبی از ایران "ملت-دولت" مستقل، خودمحور و نیرومند ساخت. فرهنگ ایرانی-اسلامی علی‌رغم بحران‌ها در بیشتر مواقع نقش انسجام‌بخش داشته است. بر اساس این باور ایران می‌تواند با ترکیب سنت و مدرنیته و با استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی-ژئوکالچری و ژئوآکونومیکی خود الگوی پایدار فرهنگی در منطقه بحران‌زده خاورمیانه ارائه دهد.

لذا به‌اختصار می‌توان روند تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی ایران را به شرح ذیل برشمرد.

۱. تداوم تاریخی: فرهنگ ایرانی توانسته است از دوران باستان تا امروز هویت خود را حفظ کند و در برابر بحران‌ها بازتولید شود.
۲. پیوند فرهنگ و سیاست: فرهنگ در ایران همواره در پیوند با قدرت سیاسی و مذهبی بوده است.
۳. ایران به‌عنوان الگوی منطقه‌ای: ایران با برخورداری از سابقه تمدنی، موقعیت ژئوپلیتیکی و انسجام مذهبی، توانایی ایفای نقشی مؤثر در مدیریت بحران‌های فرهنگی-هویتی خاورمیانه را دارد.
۴. لزوم بازتعریف فرهنگی در عصر جدید: ایران با ترکیب میراث فرهنگی-مذهبی و نوآوری‌های

۴. اخباری، محمد، احمد غم پرور، احمد بزله (۱۳۹۴) تبیین توسعه پایدار سیاسی، مطالعه موردی: ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال یازدهم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۴، صص ۳۳-۵۸.

<https://civilica.com/support>

۵. التیامی، رضا، حسن کامران (۱۳۹۸) انعطاف‌پذیری استبداد و اقتدارگرایی در پرتو انقلاب‌های عربی، فصلنامه جغرافیا، سال هفدهم، شماره ۶۲، صص ۶۲-۷۹.

<https://civilica.com/support>

۶. احمدی نوحدانی، سیروس، عزیز نصیرزاده، ریحانه صالح‌آبادی (۱۴۰۴) تحلیل ژئوپلیتیک فروپاشی امپراتوری‌ها، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و پنجم، شماره ۷۶، صص ۶۸-۹۲.

<https://jgs.khu.ac.ir>

۷. اعظمی، هادی، هادی زرقانی، مسعود حمیدی (۱۳۹۳) بررسی ساختار فضایی سیاسی در ایران باستان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره اول، صص ۳۷-۵۹.

<https://civilica.com/support>

۸. اخباری، محمد (۱۴۰۲) تدوین استراتژی ژئوپلیتیک، الزامی در گذار به مرحله نوین پیشرفت، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال بیستم، شماره اول، صص ۱۹۳-۲۰۴.

<https://civilica.com/support>

۹. بختیاری، هوشنگ، محمود واثق، حسن کامران، محمدحسین رامشت، (۱۴۰۲) بررسی ابعاد و زمینه‌ها اتحاد راهبردی کشورها و جنبش‌های محور مقاومت، فصلنامه جغرافیا، دوره ۲۱، شماره ۷۶، صص ۱-۱۸.

<https://dor.net/dor/20.1001.1.27833739.1402.21.76.1.2>

۱۰. بینائیان، اباذر، محمدرضا حافظ نیا، محمدکاظم سجادپور، ابراهیم رومینا (۱۴۰۲) نقش سیاست بر تقویت انسجام و هویت ملی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هجدهم، شماره اول، صص ۱-۳۲.

<https://civilica.com/support>

۱۱. پورمحمود، احسان، محمدرضا جعفری، مهدی حاتمی (۱۴۰۲) بررسی جامعه‌شناسی سیاسی تنوع فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر قانون

مدرن، الگویی پایدار برای توسعه فرهنگ منطقه‌ای ارائه دهد.

به‌منظور ایجاد توسعه با ترکیبی از سنت و مدرنیته و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های ژئوکالچری، ژئوپلیتیک و با شناخت و ارتقاء کمی و کیفی موارد ذیل می‌توان به الگویی پایدار در منطقه غرب آسیا دست یافت.

۱. توجه به تنوع قومی و مذهبی در داخل ایران به‌عنوان عامل غنا و هم‌افزایی، نه شکاف و واگرایی.

۲. توسعه دیپلماسی فرهنگی از طریق هنر و ادبیات در سطح منطقه‌ای و جهانی.

۳. ایجاد ارتباط میان سنت و مدرنیته با تأکید بر هم‌زیستی ارزش‌های مذهبی و نیازهای نوین جامعه.

۴. سرمایه‌گذاری در رسانه‌های نوین و فضای مجازی برای اشاعه گفتمان فرهنگی در سطح منطقه‌ای و جهانی.

۵. تبدیل ژئوکالچر ایرانی به ابزار قدرت نرم در مدیریت بحران‌های خاورمیانه.

۶. تقویت زبان فارسی به‌عنوان ابزار هویت‌بخش و گسترش آن در منطقه.

منابع

۱. ازغندی، سید علیرضا (۱۳۹۲) تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، چاپ هشتم، انتشارات سمت. <https://www.samt.ac.ir/ISBN978-964-459-702-2>
۲. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۹) ایران چه حرفی برای گفتن دارد، چاپ دوم، انتشارات شرکت سهامی انتشار. <https://www.ISBN964-325-040-7>
۳. امام جمعه‌زاده، سید جواد، حسین مهدیان (۱۳۹۳) شکاف‌های قومی-مذهبی مؤثر بر امنیت ملی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران، سال دوازدهم، شماره ۴۱، صص ۳۱۶-۲۹۷. <https://www.magiran.com>

- اساسی، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۵۷-۷۸. <https://www.magiran.com/p2702452>
۱۲. پیرنیا، حسن، عباس اقبال آشتیانی (۱۳۸۲) تاریخ ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات بهزاد. <https://www.ISBN964-5959-40-3>
۱۳. تولایی، سیمین، محمد سلیمانی (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات-<https://elmnet.ir/export/31313573-60768?type=endnote>
۱۴. تهامی، مرتضی، مراد کاویانی راد (۱۳۹۲) حکومت جهانی در تصور ژئوپلیتیک ایران باستان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره سوم، صص ۱۱۷-۱۳۹ <https://civilica.com/support>
۱۵. حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ اول، انتشارات پاپلی <http://www.Iranketab.ir>
۱۶. زین‌العابدین، یوسف، هوشنگ (حجت) بختیاری (۱۴۰۳) جغرافیای فرهنگی و واقعیت‌های ژوکالچر ایران، تهران، انتشارات هنر و اندیشه <https://www.nashreentekhab.ir>
۱۷. زین‌العابدین، یوسف، محمدرضا یحیی پور، زهرا شیرزاد (۱۳۹۱) ساختار ژئوآنومیک خاورمیانه بر اساس اهداف توسعه هزاره سازمان ملل، فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال دهم، شماره ۳۴، صص ۲۳۳-۲۴۹ <https://sid.ir/paper/150535/fa>
۱۸. سرافرازی، عباس، اکرم ناصری (۱۳۹۷) واکاوی عوامل مؤثر بر تحولات دیوان‌سالاری در عصر افشاریه، مجموعه مقالات همایش ملی دیوان‌سالاری در شرق جهان اسلام، اردیبهشت ۱۳۹۷ <https://civilica.com/support>
۱۹. شکویی حسین، (۱۳۶۴). فلسفه جغرافیا، ص ۸، انتشارات گیتاشناسی، تهران. <https://www.adinehbook.com/product/9646241077/>
۲۰. صفری نامیوندی، مهدی، محمدرضا سلیمی سبحان، محمد خلیل نژاد، افسانه رزجی (۱۴۰۳) تحلیل اثر شاخص‌های امنیت مرزی بر توسعه پایدار منطقه‌ای، مجله پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی، دوره ۱۲، شماره ۴۸، صص ۲۵-۴۰ <http://pogra.jrl.police.ir>
۲۱. عبدی، عطاءالله، مصطفی مظاهری (۱۳۹۳) آسیب‌شناسی و تحلیل روند تکامل مفهوم حکومت در ایران با نگاهی به تجربیات جهانی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره اول، صص ۱۰۶-۱۳۹ <https://civilica.com/support>
۲۲. فرجی راد، عبدالرضا و ربیاز قربانی نژاد و عبدالله مهربان، (۱۳۹۶) تأثیر جهانی‌شدن بر تقویت همگرایی در حوزه فرهنگی نوروژ، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سیزدهم، شماره دوم، صص ۹۳-۱۲۰ <https://civilica.com/support>
۲۳. گیرشمن، رومن، (۱۳۸۳)، ایران از آغاز تا اسلام، ص ۱، ترجمه: محمد معین، انتشارات انقلاب اسلامی
۲۴. لشکری تفرشی، احسان (۱۴۰۲) شناخت مؤلفه‌های گفتمانی آیین تشیع در برساخت انسجام اجتماعی در ایران عصر صفوی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نوزدهم، شماره اول، صص ۱۳۱-۱۵۱. <https://civilica.com/support>
۲۵. محرابی، علیرضا، سروش فرش چین، محمدرضا جوفار (۱۴۰۲) انسجام سرزمینی و ادراک ژئواستراتژیک ایران و عراق، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال هشتم، شماره دوم، پیاپی ۳۰، صص ۲۰۹-۲۲۷ <https://doi.org/10.22067/PG.2023.79338.1177>
۲۶. ملک‌زاده، الهام، محمد بقائی (۱۳۹۵) درآمدی تحلیلی بر سیاست‌های فرهنگی-مذهبی پهلوی اول و دوم، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیست و ششم، دفتر دوم، صص ۷۶-۹۵ <http://ganjined.nlai.ir>
۲۷. ملایی توانی (۱۴۰۲) آیا تشکیل حکومت صفویه مبدأ تاریخ جدید یا معاصر ایران است؟، نشریه تاریخ ایران، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۲۰۷-۲۲۷. <https://civilica.com/doc/1906440>